

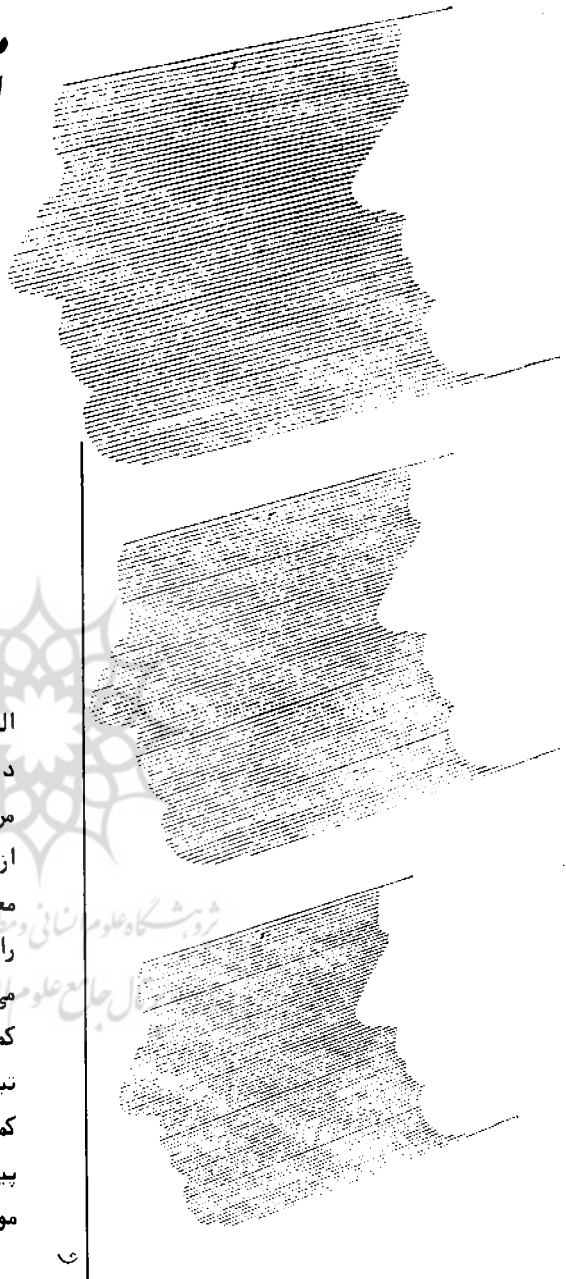
نقش الگوها در تربیت

مصطفی عباسی مقدم

الگوپذیری و تقلید مورد بررسی قرار گرفت. در این قسمت به یکی دیگر از گرایشهای انسانی مرتبط با الگوپذیری و تقلید می پردازیم، سخن از قهرمان جویی انسان است، پدیده ای روحی و معنوی که در وجود همه انسانها نهفته است و آنها را وادار به توجه و عنایت نسبت به قهرمانان می کند، قهرمانان انسانی در هر زمینه، کسه کم کم به کانون اصلی عشق و امید مردمان تبدیل می شوند. این مبحث را با اشاره ای به کمال جویی انسان آغاز می کنیم و با بیانی پیرامون آرمانها و اسطوره ها بتدریج وارد موضوع قهرمان جویی خواهیم شد.

کمال جویی در انسان

انسان موجودی کمال گرا و ترقی خواه است و این سرشت انسانی ایجاب می کند که فرد از



قهرمان جویی در انسانها

درمباحث گذشته که پیرامون "نقش الگوها در تربیت" در پیشگاه خوانندگان گرامی مطرح شد،

خویش قرار دهد. در غیر آن صورت دستیابی به هدف اصلی و کلی میسر نخواهد بود.

برای دستیابی به آرمانهای کلی و فراگیر باید کاری کرد که ظهور بیشتری یافته و برای امکان قابل درک باشند، همان گونه که تشبیه معقول به محسوس به درک معقولات کمک شایانی می نماید. بر این اساس باید هدفهای کلی و بزرگ را در قالب آرمانهای جزئی، محدود و محدود و ملموس تر ریخت و به انسانها عرضه کرد. به عنوان مثال برای دستیابی به "وحدت کلمه" که برای ما به مثابه یک آرمان بزرگ و واسطه‌واره مطرح است می توان، آن را در قالبهایی چون امت اسلامی، ملت اسلام، حزب الله و غیره تبلیغ نمود تا آدمیان برای توجه بدان تشویق شوند.

اسطوره چیست؟

آرمانهایی را که فراگیری و اهمیت کمتری نسبت به آرمانهای اصلی دارند، می توان تحت عنوان "اسطوره" قرار داد. اسطوره ها تمایلات عمیق و در عین حال دامن‌ده دار و گسترده ای است که تمام افراد جامعه را دربر گرفته، باعث پویایی و تحرک جامعه در راه نیل به هدفهای بزرگ و اصلی می گردد. در این مورد در کتاب تبلیغات (آوازه گری) چنین آمده است:

"اسطوره تمایلات عمیق یک جامعه است، بدون تمسک به اسطوره، توده ها به تمدن واحد یا به روند توسعه نمی پیوندند. اسطوره محرکی قوی، پررنگ و غیر مستدل است که باور انسان را کاملا در اختیار دارد و حاوی عنصری مذهبی است."

وسایلی که در مسیر تحقق بخشیدن به ایسین خصیصه وی را یاری می رساند، نهایت استفاده را بنماید. بی تردید یکی از مهمترین ایسین وسایل، الگوها، قهرمانان و چهره های نمادینی هستند که مراحل از طریق کمال و منزلگاههایی ازجاده رشد را پیموده باشند. به عبارت دیگر، انسان تحت نایب اثر حس کمال جویی که در فطرتش جای گرفته، به پیروی از انسانهایی راضی می شود که با آراستگی بیشتر به فضایل، در مسیر تکامل گامهای بلندتری برداشته اند.

آنچه که امید انسان را به موفقیت در این امر و ثمربخشی این حرکت افزون می نماید اذعان به این مطلب است که امکانات و استعداد های افراد برای دستیابی به کمالات و مقامات مختلف تقریباً یکسان است و خداوند همگان را بربریک فطرت و سرشت آفریده است (فطرة الله التي فطر الناس عليها).

آرمانها و اسطوره ها

انسان موجودی هدفدار و آینده نگر است و این از ویژگی خاص انسان یعنی تفکر و تعقل ناشی می شود. از این روان انسان نسبت به گذشته و آینده خود کنجگاو بوده، هدفداری او مقدمه آرمانگرایی اش می گردد. وقتی آدمی در مسیر زندگی خویش هدفی را دنبال می کند و برای آن هدف نوعی عظمت و تقدس قائل است، در نتیجه آرمانهایی برایش مطرح می گردد و ایده آلهایی متناسب با جهان بینی در ذهنش نقش می بندد. این ایده آلهای، به یک بیان چشم اندازهایی هستند که بایستی به منظور نیل به هدف متعالی، نخست آنها را درک کند و در دسترس

فرهنگ و تمدن، به وسیله عوامل فرهنگی و اجتماعی موجود برجستگی یابد و خود را درمدت زمانی هرچند طولانی در ذهنیت و در میان آمال و آرزوهای افراد جامعه جایگزین سازد، به طوری که مرور زمان و تحولات جامعه نتواند بسادگی آن را از صفحه دل و لوح ضمیر آنها برکند.

این نوع اسطوره‌ها از متن جامعه انسانی می‌جویند و چون چشمه‌ای فیاض و ستسارنده‌ای درخشان، همگان را متوجه خویش ساخته، آنها را از کمالات خود بهره‌مند می‌سازند. این اسطوره‌ها ممکن است فرد، مفهوم و یا پدیده‌های اجتماعی، مذهبی، اقلیمی و یا انسان‌های افسانه‌ای باشند که حکایت آنها هم از واقعیت بهره‌ای دارد و هم از بافته‌های بی‌اساس داستان‌سرایان و افسانه‌پردازان و اخیانان "مورخان، و این بدان دلیل است که معمولاً" اسطوره به سیر تاریخ و ابدیت می‌پیوندد و با گذشت زمان ممکن است چیزی بر حقیقت سرگذشت و صفاتش بیفزایند و یا از آن بکاهند. صورت دوم که در ظهور یک اسطوره به نظر

می‌رسد، اسطوره‌سازی است، بدین معنی که بدون توجه به مسیر طبیعی جامعه و پدیده‌های فرهنگی برجسته آن، سعی در پرورش و ساختن اسطوره‌ای می‌نمایند، اسطوره‌ای که حتی الامکان دارای شرایط و خصوصیات شبیه اسطوره‌های طبیعی باشد. سیاست پیشگان حاکم و مبلغان

باعنایت به تعریف فوق و تعاریف دیگر در این زمینه ویژگیهای ذیل را برای اسطوره می‌توان برشمرد:

۱- اسطوره در هاله‌ای از تقدس قرار دارد که حس تقدیس فرد را تحریک و در نتیجه وی رابه سوی خود جذب می‌کند.

۲- اسطوره تا حد امکان از ویژگیها و قیود مادی و جسمانی خالی شده، حالتی ذهنی و تصویری پیدا می‌کند.

۳- آدمی در اسطوره، آمال، آرزوها و آرمانهای خود را یافته و آن را تبلور و تجسم آرمانهایش می‌داند.

۴- اسطوره باید وجودی محیط و فراگیر داشته باشد، روح افراد را تسخیر کند و در تمامی جوانب زندگی آنها جریان یابد.

۵- مظاهر بزرگ فرهنگی و تاریخی هر مجموعه انسانی (ملت) از حمله اسطوره‌های آن به شمار می‌رود.

انواع اسطوره‌ها

اسطوره موجودی معنوی و گاه مادی است و اگر دارای هردو جنبه باشد، جنبه معنوی آن نمایانتر و پراهمیت تر خواهد بود و بی شک هر پدیده معنوی یا مادی برای تبدیل شدن به یک اسطوره نیاز به گذشت زمانی نسبتاً طولانی و فراهم آمدن شرایط گوناگون دارد.

چنانچه بادقت به کنکاشی در خصوص کیفیت ورود اسطوره شدن بپردازیم در خواهیم یافت که دوصورت برای اسطوره شدن قابل فرض است. به عبارت دیگر اسطوره‌ها به دو طریق در صحنه جامعه پدید آمده، ظهور می‌یابند: راه نخست آن که یک اسطوره بطور طبیعی در متن یک



اسطوره های کاذبی چون زبان پارسی (و پرهیزاز زبان عربی) ، بی بندوباری و فحشاء ترویج می شد و آثار مخرب آن روز بروز شدت می یافت . این شیوه هرچند بیشتر توسط حکومت‌های جور و سیاستمداران منحرف به اجرا گذاشته شده و می شود ، می تواند از جانب حکومت‌های الهی و اسلامی نیز مورد توجه قرار گیرد و حتی در شرایطی خاص ممکن است یکی از طرق بسیار مهم برای نیل به هدفهای مقدس حکومت اسلامی باشد . رسالت و وظیفه حکومت در جامعه اسلامی ایجاب می کند اسطوره های صحیح و هدایت آفرین همچون سواد آموزی و علم را به جای بی سوادی و جهل ، و عفت و تقوی را به جای بی حجابی و لاقیدی تبلیغ و ترویج نماید .

فهرمانان ، اسطوره های انسانی

چنانکه در بیان اسطوره گفتیم ، اسطوره شامل فرد نیز می گردد . همچنین اشاره شد که هرچه اسطوره جزئی تر و عینی تر باشد امکان درک و دستیابی و توجه به آن بیشتر خواهد بود ، هرچند وجود هر دو نوع اسطوره (اسطوره های بزرگ و کلی ، اسطوره های جزئی و ملموس) ضروری به نظر می رسد .

قهرمان در فرهنگ و نظام ارزشی اسطوره عینی و محسم و به عبارت دیگر تبلور آرمانهای آن جامعه است . افراد ابعاد زندگی و شخصیت قهرمان را مدنظر قرار می دهند تا به آرمانهای بزرگ خویش تقرب جویند . قهرمان یک ملت ، ارزشهای حاکم بر جامعه اش را در حد اعتدال در خود پرورش داده و به تجسم نظام ارزشی آن جامعه تبدیل شده است . ابراهیم (ع) به این سبب قهرمان توحید است که ارزشها و آرمانهای

حکومتها در هر زمان مترصد چنین کاری بوده اند تا از این طریق ، ضمن ارضای حس آرمانخواهی و کشش به جانب اسطوره هادرمیان مردم ، به هدفها و مقاصد سیاسی و فرهنگی خویش نیز دست یابند .

اسطوره سازی

اسطوره ها با توجه به تأثیر و نفوذی که در ذهن ، اندیشه و دل انسانها و جهت بخشی به آن و نیز در ایجاد تحولات گوناگون در جوامع داشته اند ، از اهمیت و حساسیت فراوان برخوردارند . نقش اسطوره ها در شکل دادن و هدایت فرهنگ عمومی غیر قابل اغماض است . با اندک توجهی به اسطوره علم ، نقش مؤثر آن را در اندیشه و زندگی بشر می توان دریافت . اسطوره هایی چون نژاد ، ملیت ، وطن ، دین و غیره نیز به همان ترتیب نفوذی آشکار در ابعاد مختلف حیات بشردارند . به همین سبب ، در تمامی قرون و زمانها دست اندر کاران تبلیغات و حکومت در جوامع مختلف در پی ایجاد و ارائه اسطوره های بزرگ ، جذاب ، مقدس و بانفوذ بوده اند . ساختن و ارائه اسطوره به جامع و انسانها ، همواره فواید و دست آوردهایی قابل توجه برای مجریان امور و ارائه دهندگان آن داشته و این به سبب جنبه شور آفرینی و حرکت زایی آنها بوده است . سیاستمداران و حاکمان از این نفوذ و شور آفرینی حداکثر بهره برداری را به عمل آورده اند تا طرحها و نقشه های خویش را در پوشش پیروی از اسطوره ها و اعتقاد عمیق به آنها حاکم عمل ببوسانند ، و به حاکمیت مشروع یا نامشروعشان ادامه دهند . به خاطر داریم که در دوران ستم شاهی چه سان

خاص او، از رفتار او، از گفتار او، از طرز لباس پوشیدن او و از قیافه و هرچیز مرتبط با او الهام می‌گیرد. قهرمان منتخب، کعبه انطباق رفتار نوجوان است.^۲

حتی چنانکه گفته‌اند، افلاطون، سقراط را به قهرمانی خود بر می‌گزیند و تا آن جا در گرایش و انطباق خود با او پیش می‌رود که عالی‌ترین سخنان خویش را از زبان او می‌گوید. همچنین "نیچه" فیلسوف و شاعر آلمانی قهرمان ایده آل خود و مظهر نبوغ انسانی را در خاطره جاودانی "گونه" شاعر دیگر آلمانی جستجو می‌کرده است.^۳ هر فرد می‌تواند به فراخور گرایش‌ها و باورهای خود قهرمانی مناسب انتخاب نماید و او را نردبان تکامل و ترقی خویش قرار دهد، بدین ترتیب که همواره در جهت تحقق فضایل و کمالات او در وجود خویش بکوشد.

پیروی قهرمان

قهرمان، خواه به طور طبیعی و با توجه به گرایش‌های فرد انتخاب شده و خواه ساختگی و کاذب باشد، به هر ترتیب مورد توجه و تقلید فرد خواهد بود. پیروی از قهرمان تنها با این بیان قابل توجیه است که در جهت رسیدن به بالاترین حد کمال یعنی نیل به مرحله‌ای که قهرمان در آن قرار دارد، باشد. چنانکه در ساحت گذشته پیرامون تقلید، پیرویه‌ها و تقلیدهای انسان بالغ و عاقل را دارای انگیزه‌های عقلانی و مفید و نه غریزی دانستیم، تقلید از قهرمان نیز به منظور نیل به کمالات او صورت می‌پذیرد. یک قهرمان بزرگ هرچند به بالاترین حد ممکن کمال در یک یا چند زمینه

تمامی موحدان و خداجویان را در خود تحقق بخشیده است. قهرمان درهرکیش، مذهب، ملت و جامعه عصاره فضایل و ارزش‌های مورد توجه آنهاست. درتعریف قهرمان چنین گفته‌اند: "قهرمان انسانی است ممتاز که در نظر جستجوگر و انتخاب‌گر خویش از صفات ویژه یک انسان بایسته، متعالی، دوست‌داشتنی و شایسته تقلید و پیروی بهره دارد. امتیاز، ویژگی، کمال، بایستگی و شایستگی قهرمان ممکن است در یک جهت باشد یا جهات گوناگون."^۱

قهرمانان بشری و اسطوره‌های انسانی اثری عمیق و جایگاهی بس والا درتکوین و شکل دادن اندیشه‌ها و گرایش‌های تک افراد دارند. اینان همواره با تلاء، اندیشه و آرمان‌های والای خویش، جامعه را به سوی بزرگی و بزرگواری رهنمون می‌گردند.

انسان در پی کمشده

قهرمان جویی با قهرمان پرستی یکی از جلوه‌های روانی است که درسرشت اولیه بشر نهاد شده است. بشر همواره در جستجوی کمشده‌ای حرکت می‌کند، درجستجوی قهرمانی پرشکوه و جلال که با توسل به او و پیروی او موجبات رشد خود را فراهم سازد. می‌شوان گفت قهرمان جویی به طور مستقیم، کم و بیش برخاسته از نیاز انسان به رهبری است. چنانکه در باره رابطه فرد با قهرمانان گفته‌اند:

"فرد بی‌بزه در نوحوانی همواره به قهرمان توجه دارد و حتی اگر بدان دسترسی نداشته باشد درعالم خیال ورویا از بسیاری جهات او را الگو و مدل رفتار خویش قرار می‌دهد، از تصور

قهرمان دینی، قهرمان ادبی، قهرمان دفاع، قهرمان ورزشی، قهرمان علمی و هنری، قهرمان اخلاقی و غیر آن باشد.

چه خوب است دست اندرکاران امور فرهنگی و تربیتی کشورمان توجه و همت بیشتری در جهت تربیت و ساختن قهرمانان شایسته در همه زمینه ها مبذول دارند. باید باور داشته باشیم که اگر جامعه ما در دانش، هنر، ورزش و زمینه های دیگر قهرمان داشته باشد و به طور شایسته آنها را به طبقات سنی گوناگون معرفی نماید، نوجوان و جوان رشد یافته در دامن فرهنگ غنی و قوی اسلامی-ایرانی هرگز به دامن آلوده غرب و فرهنگ مبتذل آن نخواهد افتاد و الگوهای رفتاری خویش را از ورای مرزها بدون توجه به ارزشهای اصیل نخواهد گرفت.

منابع:

- ۱- ق- وانقی، امام الکوی امت، انتشارات امیری، ص ۲۷
- ۲- ناصرالدین صاحب الزمانی، دیباچه ای بر رهبری، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، ص ۶۹
- ۳- ناصرالدین صاحب الزمانی، دیباچه ای بر رهبری، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، ص ۱۸۹



دست یافته، امکان رسیدن انسانهای دیگر به سوی اندک باشد، اما افراد به خاطر حس کمال جویی، می توانند به اندازه استعداد و توانائی شان خود را به او نزدیک سازند. انسان هیچ گاه از این که فاصله زیادی با قهرمانان خویش دارد نومید نمی گردد، بلکه حتی المقدور حرکت و سیر به سوی کمال را ادامه می دهد و تمام دشواریها را در سیر خود به جان تحمل می کند.

بدنیست این جا اشاره ای به انواع مختلف قهرمانان داشته باشیم. بی تردید در هر زمینه ای که سخن از حرکت، رشد و تکامل باشد و پویایی و پیشرفت مدنظر قرار گیرد، وجود قهرمان در آن زمینه قطعی است. بنابراین یک جامعه می تواند دارای قهرمان اجتماعی،

بقیه از صفحه ۲۷

عالی ترین اوج عبودیت انسان است برای خدا. باورنهایت:

- ۱- مثنوی صفحه ۲۳۸
- ۲- مثنوی صفحه ۲۸۷
- ۳- مناجات الذاکرین، منابع
- ۴- مناجات تائبین
- ۵- فقرات مناجات سبعانید

می بینیم در سوره آل عمران آیه ۱۹۵ برای توبه نتیجه قطعی و عده شده است چرا؟ زیرا با توجه به مقدمه آیه مذکور شخص تمام تکه و التماسش به لطف خداوند عطف شده نه به توبه. بنابراین مرحله چهارم دست یافتن به احسن عمل، خود حقیری و عمل حقیری است و این